

متن پرسش

سلام علیکم: دیشب وقتی خبر شهادت دکتر فخری‌زاده را شنیدم از جناب دکتر رسول رکنی زاده؛ معاون پژوهشی دانشگاه اصفهان و استاد تمام رشته فیزیک سؤال کردم «آیا شما دکتر فخری‌زاده را می‌شناختید؟ اینکه ایشان از دانشمندان هسته‌ای بود؛ را تایید می‌کنید؟» ایشان در جواب نوشتند: «بیش از ۳۵ سال افتخار دوستی با او را داشتم. بله و مؤثرترین! من چه گویم یک رگم هشیار نیست / شرح آن یاری که او را یار نیست.» از ایشان درخواست کردم که ای کاش یک متن در مورد ایشان و ویژگی‌های هاشون می‌نوشتید. و ایشان امروز این دلنوشته را برایم ارسال فرمودند. بسم‌الله الرحمن الرحیم: یک دهان خواهم به پهنای فلک / تا بگویم وصف آن رشک ملک. سخن گفتن در مورد بزرگی مانند شهید محسن فخری‌زاده کاری آسان نیست. تصور ایران بدون حضور چنین مردان بزرگی در این گرگستان عالم مدرن چقدر دلهره‌آور است. هر روز از خانه‌ی علم این سرزمین ستونی را تخریب می‌کنند تا از کسانی که قصد سکنی‌گزیدن در آن را دارند جرئت و شهامت بستانند. تزریق احساس بی‌پناهی به جویندگان علم و گسترش ناامیدی با از بین بردن نمادهای امید و آرزوهای یک ملت بزرگترین آرزوی کوتاه نظران و دشمنان قسم خورده‌ی این سرزمین پاک است. همواره به این دعای امام رحمة الله علیه می‌اندیشیدم که در پایان جنگ فرمود: «خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به‌روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش.» امروز بار دیگر حقیقت این دعای خیر برای ملت ما روشن‌تر شد. در این سرزمین چراغ علم با خون شهیدان پرفروغ می‌شود. ما که این روزها به دنبال تأسیس بنای نهاد علم با ریشه‌های سترگ در ایران عزیز هستیم، بسیار به این شهادت‌های جهت‌بخش به تلاش‌های عالمان نیازمندیم. خون شهید محسن عزیز نهال علم این سرزمین را استوارتر می‌کند، همانطور که خون یارانش مانند شهید علی‌محمدی و شهید شهریاری و دیگر هم‌زمانشان چنین کردند. دکتر محسن فخری‌زاده گرچه در طول سالیان دراز و تمام عمر کاری‌اش (که بسیاری از همراهانش راه خود را به سوی سنگرهای دیگر کج کردند) به عنوان یک دانشمند پر تلاش و مسلط به حوزه‌ی صنعت پیچیده‌ی هسته‌ای، صبورانه مسیر دفاع هسته‌ای را پیش می‌برد و تلاش می‌کرد قدرت بازدارندگی این فناوری را، که توسعه‌اش منجر به توسعه‌ی فناوری‌های بسیار پیشرفته می‌شد، به کمال برساند، اما روح بلند او را فقط دریای ادبیات عرفانی و تقید به شریعت محمدی و آموزه‌های بلند معنوی‌اش سیراب می‌کرد. او حافظ نمی‌خواند بلکه با حافظ به عنوان نمادی از مصلحان اندیشه و عمل اجتماعی زندگی می‌کرد. نصب این بیت و ابیات مشابه در

دفتر کارش بیانی از شیوهی زندگی‌اش بود: دلا دلاّت خیرت کنم به راه نجات / به فسق مکن مباحات و زهد هم مفروش. شوق او برای آنکه به یک نظام علمی مبتنی بر فلسفه‌ی اسلامی دست یابد زاید الوصف است. در یکی از دیدارها وقتی کتابم را به او هدیه کردم، بلافاصله درسنامه‌ی فلسفه برای دانشجویان فیزیک را که در حال تدوین بود نشانم داد و چه گفتگوی پرهیجانی بینمان درگرفت. اشتیاق او به حوزه‌ی بنیادهای مفهومی علم و تلاش برای درانداختن طرحی نو برای علم مبتنی بر الهیات اسلامی، ناشی از درک این نکته بود که می‌دانست دستیابی به قله‌ی اندیشه‌ی علمی از گذرگاه یک اندیشه‌ی فلسفی مستقل می‌گذرد و برای گسترش این اندیشه در میان دانشجویانش لحظه‌ای را از دست نمی‌داد. گرچه او در تمام دوران خدمتش، که از زمان دانشجویی‌اش شروع می‌شد، در سپاه پاسداران بود، اما شاید باورکردنش برای کسانی که با فرهنگ پاسداری آشنا نیستند سخت باشد، به هیچ وجه روحیه‌ی نظامی‌گری بنا به تعریف معمول را نداشت. مهربانی او با دوستان و همکاران و دلسوزی او برای ایران و جهان انسانی واقعا بی‌نظیر بود و هیچگاه دیده نشد که با تنفر از کسی یاد کند که همواره می‌گفت: وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافری است رنجیدن. او با عمق راهبردی اندیشه‌های امام و رهبری آشنایی کامل داشت و گرچه سیاست را به‌خوبی می‌شناخت اما هیچ‌گاه فرصت نداد تمایلات سیاست‌زدگان از میدان جهاد بازش دارد و صحنه‌ی مبارزه برای تقویت بنیه‌ی دفاعی ایران را لحظه‌ای ترک نکرد. برای دکتر محسن فخری‌زاده هیچ مرگی جز شهادت سزاوار نبود که این سرانجام همه‌ی عاشقان حقیقت است: آنانکه ره عشق گزیدند همه / در کوی حقیقت آرمیدند همه. در معرکه‌ی دو کون فتح از عشق است / هر چند سپاه او شهیدند همه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شهید فخری‌زاده در منظر دوستی آشنا و غمی همراه با امید. او در جایگاه حکیم ذوالفنون (فراتر از یک شاخه علمی و فنی) قرار داشته است. موفق باشید